

دیدار

واگویی‌هایی از کار و زندگی

سبزها، قرمزها



نشر همسایه
۱۳۷۸

کتاب سبزها، قرمزها دربردارنده‌ی گزیده‌ای از اشعار صادق رحمانی در قالب رباعی نیمایی است که اولین کتاب این شاعر را تشکیل می‌دهد. صادق رحمانی اشعار فراوانی در وصف حسین (ع)، سروده است که این اثر جزوی از آن دسته‌ی برتر را تشکیل می‌دهد. رحمانی در این دفتر یک هدف دارد: ناگزیری و ناپرسایی از زندگی، زیرا همانطور که اسپینوزا می‌گوید: «همواره سوال‌هایی هست که نباید پرسیده شوند».

آبی روشن، آبی خاموشی



نشر همسایه
۱۳۹۶

این کتاب به گواهی پشت جلدش، دومین مجموعه‌ای است که پس از «سبزها قرمزها» با تیکه بر روش اشعار کوتاه آمیخته با نثر، به چاپ می‌رسد. شاعر در توضیح کوتاهی می‌افزاید: «در عنوان رباعی نیمایی تمسدی بود تا این شعرهای کوتاه نامی ایرانی داشته باشند، نه اسمی وام‌گرفته از هایکو». قالب رباعی نیمایی را می‌توان سبک ابداعی رحمانی به حساب آورد، که در میان قالب‌های شعر کوتاه ایرانی جایگاه برتری پیدا کرده است.

تاریخ مفصل لارستان



بنیاد لارشناسی
۱۳۸۵

کتاب حاضر، تاریخ‌نویسته‌ای خواندنی و جذاب در باب شهرستان لارستان است که به همت ادیبان و پژوهشگران برتر در این حوزه، همراه با صادق رحمانی، سند پراهمیتی در باب این گنجینه‌ی فرهنگی را شکل بخشیده است. این اثر دوجلدی با همکاری منوچهر عابدی‌راد، محمدباقر وثوقی، کرامت‌الله تقوی و صادق رحمانی پژوهشی عمیق را به سبک و سیاق سفرنامه‌های تاریخی، پدید آورده که می‌تواند درکی ژرف، از این موقعیت فرهنگی - جغرافیایی را ارائه دهد.



گفت‌وگو با صادق رحمانی شاعر و سردبیر مجله چامه

منبت کاری با کلمات

تجربه‌ی زیستی انسان بیشتر شبیه به شعر است تا نثر. بنابراین شعر نسبت به نثر، راه بهتری برای صحبت کردن و نفوذ در ذهن دیگران است.

مردم ایران برای اثبات حرف‌های خودشان، به هنگام گفت‌وگو با دیگران از شعر استفاده می‌کنند. شعرهایی که جنبه آموزشی دارد هنوز نیز کاربرد خاص خود را دارد. هنوز هم کتاب‌هایی چاپ می‌شوند که آموزش کودکان را بر پایه شعر بنا می‌گذارند. درست هم هست که آموزش را باید از کودکی آغاز کرد. هنوز پدرها و مادرها به کتاب‌های شعر کودک و نوجوان اعتماد دارند و آن را می‌خرند تا کودک خود را با کتاب و شعر و درونمایه آن آشنا کنند.

راز این که شعر شاعران اصیل و بزرگ ما تا هنوز زنده است و نفس می‌کشد، این است که شعر آنان به شیء تبدیل نشده و در هر روزگاری، مردی از سر و وظیفه، آن را توسعه داده است. هنوز شعر آنان مورد استفاده است؛ چه در آیین‌های خاص همچون آغاز سال نو یا شب یلدا. درست است که مردم ممکن است به عمق مفاهیم پی نبرند، اما همین در دسترس بودن شعر و غزل، شعر را از دیده‌ها خارج نمی‌کند. شعر همیشه پیش چشم ماست.

اگر چیزی از دسترس و چشم‌رس مردم خارج شود، از مدار اندیشه آنها هم خارج می‌شود؛ این است، این روزها مثلاً فوتبال و سینما، ذهن ما را بسیار مشغول به خودش می‌دارد. شاید حواس مردم به جای دیگری ست؛ اما این شعر و ادبیات است که زبان و جهان ما را گسترش خواهد داد. گرچه سینما هم هست،

شعرهای سعدی، حافظ، فردوسی، عطار و مولانا و حتی شاعران معاصر ما که به فراخور رویدادهای مختلف آن را به زبان می‌آورند. در تعارفات روزمره از شعرهایی که به صورت زبانتزد در میان همه رواج پیدا کرده است استفاده می‌کنند. حتی کسانی که از سواد دانشگاهی بی‌بهره هستند شعر را به عنوان ابزاری برای ابراز احساسات خود بر اتومبیل‌های خود می‌نویسند. بنابراین شعر در ایران با همه سطوح‌اش که کلامی هنری باشد یا منظومه‌ای خالی از تخیل و تصویر در میان مردم جریان دارد. از لالایی مادران بر گهواره کودکان تا مرثیه‌سرایی گویندگان بر مردگان، همه در قلمرو شعر قرار دارد. بالاخره، شعر تا سنگ گور از سر آدمی دست برنمی‌دارد.

فکر می‌کنید فرهنگ شعرخوانی چه کمکی می‌تواند به دانش عمومی مردم بکند؟

شعر نسبت به نثر بیشتر به مخاطبان کمک می‌کند تا تجربه دیگران را درک کنند و بدین گونه است که شعر به زندگی ما شکل می‌دهند. نکته ضمنی در اینجا این است که از آن جایی که زندگی انسان با درگیری‌های عاطفی همراه می‌شود، بهترین راه برای انتقال درک زندگی انسان، استفاده از زبانی است که موجب واکنش احساسی می‌شود. ادبیات پوست عاطفی آدم‌ها را خراش می‌دهد و لایه‌های زیرین آن را که بیان حرف شاعران است، می‌کاود. بدین ترتیب ادبیات مبتنی بر حرکت و عمل است.

آن چه برای یک نویسنده یا شاعر مهم است، توانایی ایجاد «حرکت» با کلمات شعر و ادبیات است. به نظر می‌رسد که

امیر علی مالکی خبرنگار فرهنگی

امروزه شعر جایگاهی در کنار دیگر هنرها دارد و مانند گذشته به عنوان هنری یکه‌تاز در عرصه هنر مطرح نیست. شعر امروز با خوشنویسی، آواز و تصنیف و ترانه و نقاشی خط و دیگر نگاره‌ها به حیات خود تداوم می‌بخشد. با این حال شعر در جامعه ما یک کارویژه مهم را بر عهده دارد. صادق رحمانی، شاعر و سردبیر مجله ادبی چامه درباره این کارویژه سخن گفته است. او در مقام یک شاعر به تفسیر دیدگاه خویش، در باب شاعری و تاثیر شعر در اجتماع، در کنار خوانندگان «ایران» می‌نشیند.

نظر شما در باب تاثیر شعر بر زندگی روزمره مردم چیست؟

در پاسخ به این پرسش باید بگویم که شعر فارسی از هزار سال به این سو، همواره بر قله زبان فارسی ایستاده است. به نظرم شعر فارسی یک سر و گردن از سرورده‌ها و شعرهای دیگر جهان بالاتر و بلندتر است. به دلیل این که شعر، هنر اول مردم ایران بوده است؛ مانند کشتی که ورزش اول ایران است، هر چند امروز ممکن است از تب و تاب اولیه افتاده باشد.

شعر در کشورهای دیگر قلمرو خواص است، اما در کشور ما ایران، مردم با هر میزان تحصیلات شعرهای زیادی را به خاطر می‌سپارند. مرقد شاعران بزرگ در ایران، مقصد گردشگری است و هم‌روزه مردم برای کسب معرفت به زیارت آنان می‌روند. ذهن یک ایرانی پر است از